

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۸ نومبر ۲۰۱۴

سپید گل سرخ، یک گل نصرانی

"طالبان طالبان" مرگ به نیرنگ تان خون شهیدان ما می چکد از چنگ تان

هر انسان وطنپرست، انقلابی و پایبند شرافت، اخلاق، عزت و کرامت در مقابل ظلم ها و جنایات طالبان وحشی نمی تواند بی تفاوت باقی بماند. همان طوری که، انسانیت و شرافت مرز نمی شناسد متأسفانه ظلم و جنایت نیز مرز نمی شناسد. طالبان مفلوک این اجاره داران و تیکه داران دین که کلید قفل «بهشت» را نیز به ارث برده اند؛ در قساوت و بی رحمی هیچ مرزی را نمی شناسد و پشتیبانان جنایتکار ارتجاعی و امپریالیستی شان نیز در قساوت و سببیت و پایمال کردن همه موازین انسانی و اخلاقی هیچ حد و مرزی را نمی شناسند و همراه و همنا با طالبان، جنایت می آفرینند، مصدر نسل کشی می گردند و از ویرانگری، کشتار کودکان، زنان، سایر بی پناهان و هر نوع تعدی و ظلم بالای مردم مظلوم ما دریغ نمی ورزند.

"سپید گل سرخ، یک گل نصرانی

ما را ز سر بریده می ترسانی

ما گر ز سر بریده می ترسیدیم

در محفل عاشقان نمی رقصیدیم

در محفل عاشقان خوشا رقصیدن

دامن زبساط عافیت برچیدن

در دست سر بریده خود بردن

در یک یک کوچه کوچه ها گردیدن

سپید گل سرخ، یک گل نصرانی

ما را ز سر بریده می ترسانی

ما گر ز سر بریده می ترسیدیم

در محفل عاشقان نمی رقصیدیم

هر جا که نگاه می کنم خونین است

از خون پرنده ای گلی رنگین است

در ماتم گل پرنده می موید و گل

از داغ دل پرنده داغ آجین است

فانوس هزار شعله اما در باد

می سوزد و سرخوش است و چین و آچین است

یعنی که به اشک و مویه خود گم نکنی

از عشق هر آنچه می رسد شیرین است

سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی

ما را ز سر بریده می ترسانی

ما گر ز سر بریده می ترسیدیم

در محفل عاشقان نمی رقصیدیم

در آتش و خون پرنده پر خواهد زد

بر بام بلند خانه پر خواهد زد

امشب که دوباره ماه بالا آمد

می آید و باد پشت در خواهد زد

یک ساقه سبز در دلم خواهد کاشت

مهتاب بر آن شبنم تر خواهد زد

صد جنگل صبح در هوا می شکند

خورشید به شاخه ها شرر خواهد زد

سیصد گل سرخ، یک گل نصرانی

ما را ز سر بریده می ترسانی

ما گر ز سر بریده می ترسیدیم

در محفل عاشقان نمی رقصیدیم"

از مادر داغیده ابر زن، مادر «ریزه گل»، درس شهامت و شجاعت را بیاموزید و به پا خیزید و به طالبان و جهادی ها و پدیده شوم و ضد کرامت انسانی طالبی و جهادی، درس عبرت بیاموزانید.

تا زمانی که، مفعولان، بچه بی ریشان، لواطت کاران، بچه رقصان ها و زانی هائی از قماش «طالبان» نوع ملا عمری، حقانی، پاکستانی، «جهادی ها»، از نوع گلبدینی، شورای نظاری، سیافی، محقق-خلیلی و..... در میهن آزادگان نفس بکشند، پرنده سپید آزادی هرگز بال و پر نخواهد گشود و در آسمان سرزمین خورشید تابان، به پرواز نخواهد آمد و عامل پیام سعادت و خوشبختی نخواهد بود.

جهادی ها در سال هائی ۱۹۹۶-۱۹۹۲ خورشیدی، فاجعه ها آفریدند و ۷۵,۰۰۰ کابلی را به شیوه غیر انسانی و ناجوانمردانه سلاخی کردند و مصدر نسل کشی شدند که تاریخ انسانیت، نظیرش را ندیده است. امروز طالبان منفور در تبنانی با امپریالیسم جهانی و پادو های داخلی شان، دولت پوشالی افغانستان، به نسل کشی مردم داغیده و بی کس و کوی ما پرداخته اند و هم در ویرانی کشور ویران شده مان از هیچ گونه بی ناموسی و توحش دریغ نمی ورزند.

هر چند، پسر مادر «ریزه گل»، پولیس بود و در خدمت منافع امپریالیسم قرار داشت و اما بعد از تجاوز امپریالیسم جهانی به حریم کشور، شرایط اقتصادی بد و بد تر گردیده، فقر و بدبختی در کشور بیداد می کند، شرایط کار اصلاً مساعد و آماده نیست تا از طریق کار کردن و زحمت کشیدن، طبقات پائینی و فقیر جامعه، امرار معاش نمایند. بناءً از وضعیت رقتبار زندگی این زن شجاع و درد کشیده معلوم می گردد که غربت و تهیدستی، پسرش را بدان واداشته

است تا به خاطر معیشت و تلف نشدن ازگرسنگی؛ جبراً به این عمل دست بزند و اما در فرجام این نان آور خانه، به دست لواطت کاران و بچه بی ریشان طالبی، به شکل فجیح و ضد کرامت انسانی و در مقابل چشمان مادر حرمان کشیده اش، گردن زده می شود و آرزو هائی یک فامیل فقیر و ستمدیده، به خاکستر یأس مبدل می گردد!!

حرکت وحشیانه طالبان مفعول، لواطت کار، وطنفروش، این ماچه سگان، عربستان، پاکستان و جاسوسان و عاملین امپریالیسم، باعث آن می گردد که مادر مقتول، سلاح به دوش کشد و هم چو شیر زیان نعره کنان با غرش تفنگش، سینه هائی ماچه سگان ریشوی طالبی را نشانه گرفته و قلب های چرکین شان را بدرد و سوراخ سوراخ نماید و انتقام خون فرزندش را با مردار نمودن بیشتر از ۴۰ طالب زنزاده و حرامزاده بگیرد و طالبان زانی را به آرزوی شان که همانا وصلت ۷۲ غلمان و ۷۲ باکره است، برساند.

این همه بی رحمی ها، سبعیت، سنگسار کردن، گردن زدن، انتحار، انفجار، پل و پلچک پراندن و آبادانی ها را تخریب کردن؛ تنها و تنها به خاطر شهوترانی و زنا کاری است و بس. شهید شدن در دین و مذهب و فرهنگ طالبان و حامیان سعودی و دیگر همپالگان شان، یعنی به وصال ۷۲ غلمان (بچه های خوش صورت و دختر مانند) و ۷۲ باکره رسیدن؛ می باشد. اگر واقعاً شرعیت غرای محمدی و احکام الهی، بر مبنای کشتن انسان ها، فروش میهن به اجنبی، شهوترانی، لواطت و رسیدن به وصال ۷۲ غلمان و ۷۲ باکره استوار باشد، من از این دین و از این آئین نفرت دارم و شدیداً منزجر هستم. اگر اسلام واقعی همین است که طالبان و جهادی ها و داعش از آن پیروی کرده و مطابق به احکامش عمل می کنند؛ نابود باد این دین ضد کرامت بشری!

هموطن!

ابر زن و شیر زن، «ریزه گل»، مبارزه، حماسه و خاطرات تابناک رهبر و قومندان اصلی جنگ تاریخی (میوند)، (ملالی میوند)، را زنده ساخت. اگر مردان و زنان کشور، از مادر «ریزه گل»، بیاموزند و همانند وی عمل کنند، باور کنید که افغانستان، از لوٹ نجس و نحس طالبان، جهادی ها در مجموع ملا هائی سیاسی و اخوان المسلمین، پاک می گردد و در غیر آن هیچ قدرت تخیلی وجود ندارد تا شما را از اسارت این زنازادگان و حرامزادگان تاریخ نجات دهد. به پا خیزید و این سرطان خبیث و مدهش را ریشه کن کنید، بسوزانید و به بیت الاخلاقی تاریخ حواله دارید.

نفوس کشور بیشتر از سی میلیون نفر می باشد و نفوس مجموعی طالبان/جهادی ها و برادران آدمکش و وطنفروش خلقی، خادی و پرچمی آنان با دیگر ایادی و همپالگان جنایتکار شان، بیشتر از چهل هزار رأس و قلاده نمی باشد. اگر جرأت کنید و به پا خیزید، مطمئن و متیقنم که این خس و خاشاک و نطفه های حرامی و لعنت شده را با طوفان خشم تان از روی زمین افغانستان می روئید و در غیر آن روزگاران تان بدین منوال باقی خواهد ماند و هر روز شاهد بریادی بیشتر کشور و کشتن عزیزان تان خواهید بود.

به پا خیزید که زمان، زمان برخاستن است!